

# در حاشیه رویدادها

## حزب دموکرات و مسئله وابستگی

مصاحبه‌ی اخیر قاسم‌لو دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران با روزنامه‌ی لوموند و تأکید آشکار روابط این حزب با عراق، اظهار تمایل برای ملاقات با بختیار، اعلان علنی و رسمی چیزی بود که حزب دموکرات کردستان تا دیروز از بازگویی علنی آن امتناع می‌پورزید. در حقیقت نه رابطه‌ی حزب دموکرات با عراق تازگی دارد و نه اظهار تمایل حزب به همکاری با عناصری همچون بختیار. اینطور که بیدار است: همان او ان جنبش مقاومت، حزب دموکرات کردستان به تجدید روابط حسنه با حکومت بعثت عراق پرداخت، و بعد از آن نیز همکاری با بختیار بست‌های ارتش چون سرهنگ اسما عیسی‌علی‌ار (سیمکو) و نمایندگان سیاسی کرد وی را جزء برنامه‌های غیر رسمی خود گنجانده بود.

اما اعلام رسمی این همکاریها از جانب دبیر کل حزب، آنهم در شرایطی که جنگ ایران و عراق بشدت هر چه تمامتر ادامه دارد، و پانزدهم حزب در شهرهای شمالی کردستان تدارک حملات تازه‌ای را می‌بینند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بعبارت دیگر آن سیاستی را که در گذشته قاسم‌لو بعنوان عراق بعنوان "تاکتیک درست حزبی" قلمداد می‌نمود، در ادامه‌ی خود به استراتژی حزب دموکرات کردستان ایران - همسویی کامل با عراق - تبدیل شده است. استراتژی که پیام آور فاجعه‌ی جدیدی در جنبش کردستان است. تکرار غم‌انگیز داستان جنبش کردستان عراق: قوت گیری اولیه بر اساس کمک دول دیگر، و اضحلال آتی آن بخاطر توافق این دول.

قاسم‌لو در این مصاحبه، اوضاع کنونی کردستان ایران را با عراق متفاوت میدانند و معتقد است که تجربه‌ی ملامطفی در ایران تکرار نخواهد کردید:

"این در شرایط (شرایط کردستان عراق و ایران) اساسا متفاوت است. روابط ما با دولت‌های خارجی، منجمله عراق بر دو اصول استوار است که توسط ژنرال بازرانی رعایت نمی‌گردد. یکی از این اصول آنست که ما منابع ندارک‌های خود را از منابع مختلف تأمین میکنیم تا در صورت لزوم دست دادن یکی از آنان ضربه‌بدست

نباشیم. دومین اصل آنست که ما هیچ کمکی را که ممکنست اکراد در نقاطی که زندگی میکنند عراق، ترکیه، یمن، سوریه که با ما دارای مرز مشترک هستند، صدمه بزند، نمی‌پذیریم." (مصاحبه با لوموند)

اما صرفنظر از آنچه که قاسم‌لو بعنوان اختلاف شرایط کردستان ایران و عراق نام می‌برد، وجوه تشابه فراوانی بین ساختار حزب دموکرات کردستان عراق و ایران وجود دارد. هر دو احزاب ملی هستند که در شرایط اجتماعی نسبتا مشابه عمل مینمایند. ساختار عمده‌ی حزب بر پایه‌ی روابط عشیره‌ای فئودالی است. رهبری حزب تغییرناپذیر است. نفوذ هر دو حزب در میان دهقانان زیاد است. هر دو حزب از احزاب سنتی کردستان هستند. تشابه‌های رنگ یا فته‌ای از آیدئولوژی "سوسیالیستی" در هر دو حزب مشاهده میشود و از همه مهمتر توده‌های حزبی هیچ نقشی در تعیین سرنوشت حزب ندارند. همچنین پیش شرطهای قاسم‌لو برای روابط با دول دیگر چندان از نظر اصولی متفاوت با افکار ملامطفی نیست. ملامطفی نیز بسا رعایت "اصول" مشابه با اصول حزب دموکرات کردستان ایران، ساله‌ادی متمادی در کردستان عراق می‌جنگید. ملامطفی نیز از مصوبات سی کنگره و رهسودهای حزب ای برخوردار بود که در اصول نگارش آنها همان دقتی بکار رفته است، که در مصوبات حزب دموکرات کردستان ایران بکار رفته است. حتی از نقطه نظر دریافت

بقیه در صفحه ۲۱

**هفته‌نامه**

**رهائی**

**نشریه**

**سازمان وحدت کمونیستی**

در حاشیه ...

کمک تسلیحاتی نیز ملامطفی صرفا به ایران وابسته نبود، از دوره های قبلی جنبش کردستان که بگذریم، ملامطفی در این اواخر به تنها از ایران، امریکا، و اسرائیل کمکهای مادی و تسلیحاتی دریافت مینمود و آنرا متناقض با اهداف عالییهی خلق کرد نمیدانست، بلکه از بعث سوریه نیز که در تضاد تاریخی با عراق بسر میبرد و خود ادعای ضد امپریالیستی بودن را نیز داشت کمک دریافت میکرد. علاوه بر آن او نیز در "اصول" متعهد به رعایت حقوق اکراد در ممالک مختلف بود و حتی تا سال ۱۳۵۹ به حزب دموکرات کردستان ایران، در باره ای از زمینها - و منجمله رفعت و آمددر مناطق مرزی - یاری میداد.

عبارت دیگر، این "اصول" و "اصولیهی" از این دست برای اخزایی همانند حزب دموکرات، بیش از آنکه راهنمای عمل باشد، فرمولهای از پیش ساخته ایست که در مصالحه های مطبوعاتی و در اعلانات رسمی حزب، بکار برده میشود. آنچه راهنمای این احزاب است، نه "اصول" رسمی، بلکه آن اصولی است که بشکل غیر رسمی عمل مینماید.



پس از اتمام دوره ی دوم جنگ مقاومت در کردستان، کنگره ی چهارم حزب دموکرات بعد از سالها تشکیل شد. خط مشی مصوبه شده ی این کنگره که امروزه مورد قبول گروه غنی بلوریان است در برخورد به حکومت مرکزی و پیرامون سیاست خارجی، اصولی را تدوین کرده است. در این "اصول" رهبری امام خمینی در مبارزه ی "فدا امپریالیستی، مورد قبول واقع میشود. در سیاست خارجی حزب نیز ظاهرا مساله ی عدم وابستگی مطرح مینماید. چند ماه بعد از کنگره ی "اصول" فدا امپریالیستی بودن "امام خمینی" و چگونگی حل مساله های کردستان در اعلامیه ی مشترک فدائیان خلق و حزب دموکرات تأیید میگردد. اما همپس "اصول" در طرف چند ماه دیگرگون میشود. تنها "امام خمینی" دیگر ضد امپریالیست محسوب نمیشود، بلکه "فاسماز" خود را محسوب میداند که روابطش را با تمام مخالفین رژیم خمینی و منجمله بختیار گسترش دهد. (مباحثه ی لوموند). قطعنامه های کنگره در مورد روابط خارجی نیز ارزش عملی خود را از دست می دهند. احتیاج به "غد هوایی"، حزب را بیشتر و بیشتر به دامان تنها منبع قابل تصور کمک به حزب - عراق - میکشاند. کشیش "مبارزه" و یا بهتر بگوئیم "واقعیتها" کسبه خود را به جنبش "تحمیل" میکنند با عث میگردد که از دیدگاه فاسملو بختیاریه "فدایان" در میان ارتشیان تبدیل گردد، و دولت عراق بیک دولت مرفقی تبدیل شود. و حزب دموکرات کردستان علی رغم "اصول" خود، سیاستهای "جدیدی" را در پیش گیرد.

واقعیت را از سوی دیگر نگاه کنیم!

اصول اعلام شده از جانب فاسملو، در مقابل شرایط مادی در کردستان ایران چندان استحکام می ندارد. کردستان ایران، در عقب ماندگی اجتماعی و فرهنگی بسر میبرد، حتی نفوذ سرمایه داری، و تغییرات ناشی از آن نتوانسته است تغییرات مهمی در ساختار اجتماعی و فرهنگی این بخش از ایران ایجاد کند. روابط عشیرتی، و فرهنگی فئودالی هنوز در کردستان ایران بشکل گسترده ای وجود دارد. بورژوازی تجاری کرد، ضعیف تر از آنست که بمشابهی بتواند بمشابهی ستون فقرات "استقلال" بورژوازی در مبارزه ی ملی، از وابستگی این جنبش به یک کشور بیگانه جلوگیری بعمل آورد.

بی هویتی ضعف بورژوازی تجاری، که تازه در محاصره ی اقتصادی دولت مرکزی بسر میبرد، عریان تر از آنست که بتواند بصورت یک نیروی "مستقل" در کردستان عمل نماید. پرولتاریای کردستان، از نظر کمی و کیفی در حدی نیست که بتواند به تنهایی و جدا از پرولتاریای سرتاسری ایران مهر خویش را بر حوادث بزند. آن بخش از فئودالها نیز که از طریق حزب دموکرات در جنبش مقاومت شرکت دارند، قدرت اجتماعی و سیاسی ناچیز تر از آن است که بتواند برای اصول اعلام شده ی آقای فاسملو، پشتوانه ی مستحکم را بسازند. از همدی اینها گذشته رهبری حزب دموکرات کردستان نیز، مرتدتر و پراگماتیست تر از آن است که خود بتواند برای اصول خویش اعتبار عملی قایل شود، و علاوه بر آن حزب دموکرات کردستان احتیاج به کمک نظر می از جانب عراق، برای مقابله با آنها جمسات رژیم و حفظ برتری نظامی بر کومه لاه را دارد.

عبارت دیگر، شرایط مادی، و چگونگی رهبری حزب دموکرات کردستان، زمینه های مناسب برای پذیرش وابستگی و "قیومیسست" دیگران را دارد.

کمکهای نظامی، مالی، و سیاسی عراق در این زمینه "مناسب" به گونه ای دیگر عمل میکند. این گونه کمکها نه تنها خسوراک تبلیغاتی برای رژیم عراق بمعنوان "برسمیت شناخته شدن حقوق اکراد" در کردستان عراق را فراهم مینماید، بلکه از آنجا که تنها منبع ممکن تغذیه ی مالی و تسلیحاتی برای حزب دموکرات کردستان ایران است، حزب بسوی وابستگی هرچه بیشتر تمایل پیدا مینماید. این دیگر آقای فاسملو و پیشرگان او نیستند که میتوانند با تکیه بر "اصول" اعلام شده و قطعنامه های کنگره های حزبی برای "خودمختاری" مبارزه کنند، بلکه این حکومت بعث است که سیاستهای خود را بر حزب دموکرات دیکته خواهد کرد. بنظر میرسد تکیه ی فاسملو در این مباحثه بر روی این مساله که این ارتباط دوجانبه است و عراق نیز به حزب دموکرات وابسته است است بیشتر یک شوخی سیاسی باشد یا تاکید جدی بر روی "اصول"، زیرا عراق بجا امکانات یک دولت، و تاریخ مداوم سرکوب

خلق کرده، در این رابطه دو جانبه وارد می‌گردد و آقای قاسمی، پشتوانه‌های جز "اصول" خود و جسان پیشمرگان زحمتکش حزب را در اختیار ندارد، حتی بورژوازی کرد نیز نمیتواند پشتوانه‌ی محکمی برای این "استقلال" عمل دور و اواسط دو جانبه باشد و در دام این وابستگی براحتی نمیتواند بحای مبادله‌ی کالا با تهران، تبریز، کرمانشاه، نقش کارگزاری سرمایه‌ی عراقی را بعهده بگیرد. در ذهن دهقانان ساده‌اندیش کردستان نیز مساله‌های بنام مبارزه علیه وابستگی وجود ندارد. عثا پیرو فئودالها نیز آنقدر مساله‌ی ایران و عراق برایشان علی‌السویه است، که به جرأت بتوانند دست‌رديبه‌سینه‌ی عراقی‌ها بزنند. نه‌واقعیت اجتماعی کردستان و نه در اندیشه‌های سیاسی حزب، آنچنان خمیرمایه‌های وجود دارد که بتوانند از تبدیل شدن یک رابطه‌ی تاکتیکی - همکاری - بیک رابطه‌ی استراتژیکی - وابستگی - ممانعت جدی بعمل آورد. بهر رو، امروز حزب دموکرات کردستان، در راستای حرکت مبنایید که احتمال تکرار تجربه‌ی ملامطفی در کردستان ایران می‌رود. تنها دام زدن حاد و سرتاسری است که میتواند تکرار این فاجعه جلوگیری نماید.